

نگرش جوانان درباره ازدواج سفید

الهام رسولی^۱

چکیده

با تغییر ارزش های جوانان و ورود ارزش های جهانی و ابزارهای جدید ارتباطی به تدریج رفتارهای جدیدی در میان جوانان ایرانی شکل گرفته است که مهم ترین آن ها گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج است، هدف این پژوهش بررسی نگرش جوانان درباره ازدواج سفید است و روش پژوهش به نوع جامعه آماری تعداد ۱۲ نفر بوده است، تکنیک جمع آوری نمونه جامع آماری مصاحبه است که ما از ۱۲ نفر در این باره که چگونه به ازدواج سفید رسیده اند و یا چه طرز فکری دارند مصاحبه شد که طی این مصاحبه می پردازیم به اینکه فضای حاکم بر ایران و مردم چگونه به این نوع ازدواج و زندگی نگاه می کنند و چه مشکلاتی در جامعه برای آن ها وجود خواهد داشت و زیربنای این مشکلات و انتخاب به چه چیزی بستگی دارد، هرچند روابط پیش از ازدواج در ایران با انگیزه های گوناگون و در قالب الگوهای متفاوتی صورت می گیرد در این میان، یکی از افراطی ترین شکل های روابط پیش از ازدواج پیدایش الگوهای هم خانگی و ازدواج سفید است الگویی از رابطه که ریشه های عمیق غربی دارد و ناشی از تحول اجتماعی و اقتصادی میانه قرون بیستم در این کشورهاست. در نهایت براساس نظر مصاحبه شوندگان به سه تیپ از افرادی که ازدواج سفید کرده اند رسیدیم. تیپ اول به دلیل شرایط اقتصادی (فقر، سرپرست خانوار بودن، حرف مردم، گرایش جنسی، نداشتن سرمایه) ازدواج سفید را انتخاب کرده اند، تیپ دوم به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی (سن ازدواج بالا، اعتیاد پدر، ترس از حرف مردم، عدم حمایت خانواده) و تیپ سوم به دلیل شرایط روانی (خیانت به یکدیگر، عدم تعهد در زندگی، اختلالات روحی و روانی، اختلالات جنسی، مشکلات خانوادگی) ازدواج سفید را انتخاب کرده اند و یا به آن تن داده اند.

کلید واژگان: ازدواج سفید، جوانان، هم خانگی، الگوهای غربی

۱. کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور واحد غرب تهران elhamrasoli4510@gmail.com

مقدمه

خانواده به عنوان سنگ زیر بنای جامعه و تنها نهاد اجتماعی است که رسماً در همه جوامع پذیرفته شده است و تشکیل دهنده مختصات جامعه می باشد، یکی از پیام های مدرنیته در جامعه کنونی ایران پیدایش سبک های گوناگون در مناسبات میان مرد و زن از جمله ازدواج سفید است، سبک زندگی که به دلیل بدیع بودن آن در ایران هنوز ناشناخته مانده و مطالعات علمی و دقیق بر روی آن کم شمار هستند، برخی این سبک را حاصل تغییر نگرش کلی جوانان نسبت به سنت از جمله آن ازدواج می دانند و برخی این سبک زندگی را استثنایی می دانند که مطالعه ی آن ضرورتی ندارد به همین منظور در این مطالعه بر آن شدیم تا نگرش جوانان را نسبت به این نو ظهور بسنجیم و عوامل موثر بر تمایل و یا عدم تمایل به این سبک را مشخص نماییم تا بتوانیم تا حدودی گسترش و یا عدم گسترش ازدواج سفید را در آینده با توجه به حضور یا عدم حضور متغیرهای تاثیر گذار بر تمایل مثبت و یا منفی نسبت به این پدیده پیش بینی نماییم (اسدیان، ۱۳۹۴: ۷۶).

از آنجا که ازدواج سفید پدیده ای جدید است می توان با سنجش نگرش افراد تا حدودی میزان شناخت آن ها را نسبت به این پدیده برآورد کرد. علاوه بر اینکه جوانان در فضای بازتری از روابط و آشنایی دو جنس با هم هستند و از هیجانات و احساسات زیادی برخوردارند و می توانند در گروه هایی بانگرش های متفاوت عضویت داشته باشند، آشنایی بیشتر آن ها با اینترنت و آشنایی با دوستانی که ممکن است خانه های مجردی و روابط خارج از چهارچوب ازدواج داشته باشند در نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید می تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد. وجود جمعیت جوان در هر جامعه ای نیروی بالقوه عظیم توسعه در آن کشور است و جمعیت شناسان از این فرصت به عنوان پنجره طلایی نام می برند. در کشور ما امروزه فاصله بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی پیش از ده سال رسیده است در ایران بیش از ۱۲ میلیون جمعیت جوان ایران در سن ازدواج اند که هنوز ازدواج نکرده اند افراد مختلف با فشارهای ناشی از بلوغ جنسی، از یک سو و افزایش سن ازدواج از سوی دیگر و شکاف رو به گسترش این دو به گونه های متفاوتی برخورد می کنند، شکل گیری نگرش های انومیک و پیدایش ارزش های جدید یکی از تبعات این گسترده فزاینده است این احساس انومی، خود به شکل های جدید در میان بخشی از جوانان جامعه منجر شده است (ارمکی، ۱۳۹۵: ۹۸) با مشکل شدن ازدواج و بسته شدن راه های مشروع برقراری رابطه جنسی، الگوهای رفتاری غیر مشروع و انومیک در جامعه افزایش پیدا کرده است (ازاد ارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰: ۲۳).

امروزه هم خانگی نه تنها در کشورهای توسعه یافته که حتی در کشورهای در حال توسعه نیز در حال وقوع و افزایش تدریجی است، ازدواج سفید پدیده ای است که کمتر مورد بررسی قرار گرفته است، در خصوص اهمیت کاربردی این مسئله می توان گفت که با مطالعه عوامل تاثیر گذار بر نگرش جوانان نسبت به پدیده ازدواج می توان روند تغییرات خانواده در آینده را تا حدودی شناخت، آگاه بودن از

نگرش جوانان می تواند دارای اهمیت زیادی باشد. اگر نگرش های افراد را بدانیم می توانیم رفتار آنان را پیش بینی نماییم و کمکی در جهت آگاهی دادن و شناساندن پدیده موسوم به ازدواج سفید و سبک های مشابه آن باشیم، چنانچه که می دانیم برای بسیاری از افراد پیش بینی کردن رفتار دیگران دارای اهمیت بسیار است، شکل گیری الگوهای روابط جنسی قبل از ازدواج مقدمه پیدایش الگوهای هم خانگی در کشورها بوده و به تدریج زمینه های لازم و اولیه برای پیدایش و پذیرش آن فراهم شده است با افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج در سال های اخیر به تدریج شاخه هایی از هم خانگی نیز در ایران شکل گرفته است (ازاد ارمکی وهمکاران، ۱۳۹۱: ۴۳) جوامع صنعتی و جوامع در حال توسعه شامل دگرگونی هایی در حوزه خانواده و ازدواج هستند که از این قبیل دگرگونی ها می توان به وجود سبک های بدیل ازدواج نام برد، اگرچه در جوامع سنتی در حال توسعه پدیده ای تازه محسوب می شود با توجه به اینکه ازدواج سفید پدیده ای نو در فرهنگ ایرانی - اسلامی است، سنجش نگرش می تواند در جهت بهبود وضعیت موجود و دادن شناخت و آگاهی نسبت به تمام وجوه این نوع سبک از زندگی و سبک های مشابه آن، به افراد مخصوصاً جوانانی که در سن ازدواج هستند، کمک کند تا به تعارضاتی که این سبک زندگی با فرهنگشان دارد و خطرات و عواقبی که پیش رو دارد آشنا شوند (شیری قیداری، ۱۳۹۱: ۲) بنا بر ضرورت گفته شده سنجش نگرش جوانان نسبت به پدیده ازدواج سفید دارای اهمیت است با مطالعه نگرش جوانان نسبت به پدیده ازدواج سفید می توان نحوه شناخت و آگاهی جوانان نسبت به این پدیده را مشخص نماییم و در جهت کمک رساندن و شناساندن تمام زوایای آن برآییم .

مبانی نظری تحقیق

رابطه جنسی یکی از مهمترین اصول در معامله ازدواج سفید است. طبق تحقیقی که در سال ۱۹۹۲ انجام گرفت، زوج هایی که ازدواج سفید دارند به طور متوسط هفت مرتبه در ماه و تقریباً یک مرتبه بیشتر از زوج هایی که ازدواج رسمی کرده اند، با هم رابطه جنسی دارند. اما احتمال اینکه زوج هایی که ازدواج سفید کرده اند فقط با همسر خود ارتباط جنسی برقرار کنند بسیار کمتر از زوج هایی است که ازدواج رسمی داشته اند، هرچند اکثر آنها می گویند که از طرفشان چنین انتظاری دارند. در یک تحقیق مشخص شد که آمار زانی که در ازدواج رسمی به شوهرانشان خیانت می کنند ۴ درصد، آنها که در ازدواج سفید این کار را می کنند ۲۰ درصد و آن ها که در روابط دوستی این کار را می کنند ۱۸ درصد است. طبق آمار زنان پس از ازدواج رسمی تغییر رفتاری قابل توجه داشته و تمایل آنها برای برقراری ارتباط جنسی با مردی جز همسرشان بسیار پایین می آید. (سیف اللهی، ۱۳۸۸: ۳۴)

برتراند راسل فیلسوف معروف انگلیسی در کتاب زناشویی و اخلاق می گوید: «در واقع اگر درست بیندیشیم پی می بریم که فواحش معصومیت کانون خانوادگی و پاکای زنان و دختران ما را حفظ می کنند. هنگامی که این عقیده را لکی در بحبوحه عصر ویکتوریا ابراز کرد، اخلاقیون سخت آزرده شدند

بی آنکه خود علت آن را بدانند، اما هرگز نتوانستند خطای عقیده لکی را به ثبوت رسانند. زبان حال اخلاقیون مزبور با تمام منطقدانان این است که «اگر مردم از تعلیمات ما پیروی می کردند دیگر فحشاء وجود نمی داشت» اما ایشان به خوبی می دانند که کسی توجه به حرفشان نمی کند». (خلج آبادی فراهانی و امیرهوشنگ مهریار، ۱۳۸۹: ۶۷)

برتراند راسل رسماً در کتاب خود فصلی تحت عنوان ازدواج تجربی باز کرده است. «قاضی لیندزی که سالیان متمادی مامور دادگاه دنور بوده و در این مقام فرصت مشاهده حقایق زیادی داشته پیشنهاد می کند که ترتیبی به نام «ازدواج رفاقتی» داده شود. متأسفانه پست رسمی خود را (در امریکا) از دست داد، زیرا مشاهده شده که او بیش از ایجاد حس گناهکاری در فکر سعادت جوانان است. برای عزل او کاتولیکها و فرقه ضد سیاه پوستان از بذل مساعی خودداری نکردند. (همان: ۶۹)

پیشنهاد ازدواج رفاقتی را یک محافظه کار خردمند کرده است و منظور از آن ایجاد ثباتی در روابط جنسی است. لیندزی متوجه شده که اشکال اساسی در ازدواج فقدان پول است. ضرورت پول فقط از لحاظ اطفال احتمالی نیست، بلکه از این لحاظ است که تامین معیشت از جانب زن برآورده نیست. و به این ترتیب نتیجه می گیرد که جوانان باید مبادرت به ازدواج رفاقتی کنند که از سه لحاظ با ازدواج عادی متفاوت است: اولاً منظور از ازدواج تولید نسل نخواهد بود. ثانیاً مادام که زن جوان فرزندی نیآورده و حامله نشده طلاق با رضایت طرفین میسر خواهد بود. ثالثاً زن در صورت طلاق مستحق کمک خرجی برای خوراک خواهد بود. من هیچ تردیدی در مؤثر بودن پیشنهادات لیندزی ندارم و اگر قانون آن را می پذیرفت تاثیر زیادی در بهبود اخلاق می کرد.» (حریری، ۱۳۸۵: ۴۵).

آنچه لیندزی و راسل آن را «ازدواج رفاقتی» می نامند گر چه با ازدواج موقت اسلامی اندک فرقی دارد اما حکایت می کند که متفکرانی مانند لیندزی و راسل به این نکته پی برده اند که تنها ازدواج دائم و عادی وافی به همه احتیاجات اجتماع نیست. مشخصات قانون ازدواج موقت و ضرورت وجود آن و عدم کفایت ازدواج دائم به تنهایی برای رفع احتیاجات بشری بالآخر در عصر حاضر، مورد بررسی قرار گرفت. اکنون می خواهیم به اصطلاح آن طرف سکه را مطالعه کنیم، ببینیم ازدواج موقت چه زیان هایی ممکن است در بر داشته باشد. در میان تمام موضوعات و مسائل و زمینه های اظهار نظر که برای بشر وجود داشته و دارد، هیچ موضوع و زمینه ای به اندازه بحث در تاریخ علوم و عقاید و سنن و رسوم و آداب بشری گنگ و پیچیده نیست و به همین جهت در هیچ موضوعی بشر به اندازه این موضوعات یابو نفاخته است و اتفاقاً در هیچ موضوعی هم به اندازه این موضوعات شهوت اظهار نظر نداشته است (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۵۵).

مارگارت موتویک در تحلیل خود از ازدواج و خانواده بین دهه ۱۸۵۰-۱۸۸۰ می نویسد که، در آن دوران مقبول نبود نامزدها قبل ازدواج رسمی زیر یک سقف با هم زندگی کنند. رسم و فرهنگ غالب برای تشکیل خانواده و زندگی مشترک در میان طبقات متوسط در استکهلم عمدتاً بعد از ازدواج رسمی

در کلیسا صورت می گرفت. اگرچه در میان این طبقات نیز روابط مجردی وجود داشتند. اما در میان طبقه کارگر استکهلیم روابط جنسی و هم زیستی بدون ازدواج خیلی غیر معمول نبود. گاهی اوقات ازدواج ها پس از چند سال زندگی مشترک و با وجود فرزندان صورت می گرفت. اما برخی از کسانی که به سبک همزیستی استکهلیمی^۱ با هم زندگی می کردند می توانستند ادعا کنند که نامزد هستند. مزیت استفاده از این تاکتیک اولاً بهانه موثری بود برای کم کردن فشار و اصرار کلیسا برای ازدواج آنها، زیرا کشیشها فکر می کردند که نامزدها به هر روی روزی ازدواج خواهند کرد. ثانیاً زنان که با ازدواج رسمی اعتبار قانونی خود را از دست می دادند با این روش می توانستند امتیاز زن آزاد و مجردی خود را در جامعه حفظ کنند. و ثالثاً کودکان نامزدها فرزندان نامشروع محسوب نمی شدند و می توانستند از پدر ارث ببرند. بررسی ۱۵۰ ساله اخیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در غرب به ویژه سوئد، نشان می دهد که بین تغییرات ساختاری و تغییرات ارزشی رابطه متقابلی وجود دارد. تغییرات ساختاری همیشه به تغییرات ارزشی انسان ها منجر شده است. مارگارت موتوپیک نیز بر این نظر است که تحولات ساختاری و ارزشی در جامعه تأثیر متقابلی بر خانواده و شرایط زنان در جامعه داشته است. (فرهمند، مهناز، جواهرچیان و هاتفی راد، ۱۳۹۳: ۱۷۰) او فرایند تحولات را نه تنها موثر در تغییر ساختار خانواده و موقعیت زنان می یابد بلکه این تحولات را زمینه ای برای رشد هنجارهای جدید جنسیتی و خانوادگی ارزیابی می کند. اما ما بیشترین تأثیرات و تحولات، در زمینه زیر ساختهای اجتماعی را در حوزه وظیفه اعضای خانواده و نقش جنسیتی آن ها مشاهده می کنیم. امروزه در سوئد، ازدواج به سبک استکهلیمی و یا همزیستی بدون ازدواج رسمی sambo، یکی از معمولی ترین شکل همزیستی و تشکیل خانواده است تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سوئد، اقتدار مردانه در خانواده را به هم ریخته است. در این تحلیلات نشان داده شد، پدیده شهرنشینی و مدرنیته محرک مهمی برای پیدایش فرایند همزیستی خارج از ازدواج رسمی بودند. دیگر پیامد، تغییر و حرکت از نظام خویشاوندی گسترده و خانواده سنتی روستایی به خانواده هسته ای شهری بوده است. (همان: ۱۷۲)

رشد شهرنشینی و مدرنیته بهبودی شرایط زنان آن دو کشور را به همراه داشته است. گسترش تحولات همچنین از یک سو باعث رشد تحصیلات و اشتغال زنان آن کشورها شده و از سوی دیگر باعث کاهش میزان بارداری، ازدواج و سن ازدواج شده است. اما بررسی رشد همزیستی خارج از ازدواج در این نوشته و مقایسه دو کشور ایران و سوئد به معنای یکسان دیدن تغییرات و تحولات آنها نیست. زیرا دو کشور از نظر ساختارهای روبنایی و زیربنایی تفاوت های فاحشی با همدیگر دارند. مسلماً نمی تواند، فرایند تحولات اجتماعی و رشد تمدن در کشورهای مختلف به یک شکل باشد. زیرا تفاوت های بین کشورها غیر قابل انکار است. و نکته مهم این که تحولات اجتماعی به صورت مکانیکی انجام نمی گیرند و ناشی از دینامیسم های درونی و بیرونی اجتماعی هر جامعه هستند. به همین جهت،

بررسی تغییرات و تحولات هر کشوری را باید جداگانه و از زاویه های مختلف و شرایط جغرافیایی و بومی آنها بررسی شود. اما جبر روند تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و رشد شهرنشینی و مدرنیسم فاکتورهای مهم در تحولات کشورها هستند که موجب کنش های اجتماعی مشابه هم شده اند. و اشاره به این نکته نیز ضروری است که، تغییرات به دست آمده در حوزه اجتماعی و فرهنگی فرامرزی و اجتناب ناپذیر است و محصول شهرنشینی گسترده در جوامع امروزی محسوب می شوند که ما در بسیاری از کلان شهرهای جهان شاهد رشد آن هستیم. (گلچین و صفری، ۱۳۹۶: ۶۵).

اکنون که این زرمه از غرب بلند شده و کسانی امثال برتراند راسل مساله ای تحت عنوان «ازدواج رفاقتی» پیشنهاد می کنند، پیش بینی می شود که بیش از آن اندازه که اسلام خواسته استقبال شود و ازدواج دائم را پشت سر بگذارد و ما در آینده مجبور بشویم از ازدواج دائم دفاع و تبلیغ کنیم. معایب و مفاسدی که برای نکاح منقطع ذکر شده از این قرار است:

۱. پایه ازدواج باید بر دوام باشد. زوجین از اول که پیمان زناشویی می بندند باید خود را برای همیشه متعلق به یکدیگر بدانند و تصور جدایی در مخیله آنها خطور نکند. علیهذا ازدواج موقت نمی تواند پیمان استواری میان زوجین باشد.

اینکه پایه ازدواج باید بر دوام باشد، بسیار مطلب درستی است ولی این ایراد وقتی وارد است که بخواهیم ازدواج موقت را جانشین ازدواج دائم کنیم و ازدواج دائم را منسوخ نماییم. بدون شک هنگامی که طرفین قادر به ازدواج دائم هستند و اطمینان کامل نسبت به یکدیگر پیدا کرده اند و تصمیم دارند برای همیشه متعلق به یکدیگر باشند پیمان ازدواج دائم می بندند. ازدواج موقت از آن جهت تشریح شده است که ازدواج دائم به تنهایی قادر نبوده است که در همه شرایط و احوال رفع احتیاجات بشر را بکند و انحصار به ازدواج دائم مستلزم این بوده است که افراد یا به رهبانیت موقت مکلف گردند و یا در ورطه کمونیسم جنسی غرق شوند. بدیهی است که هیچ پسر یا دختری آنجا که برایش زمینه یک زناشویی دائم و همیشگی فراهم است خود را با یک امر موقتی سرگرم نمی کند. (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۹)

۲. ازدواج موقت از طرف زنان و دختران ایرانی - که شیعه مذهب می باشند استقبال نشده است و آن را نوعی تحقیر برای خود دانسته اند. پس افکار عمومی خود مردم شیعه نیز آن را طرد می کند. جواب این است که اولاً منفریت متعه در میان زنان مولود سوء استفاده هایی است که مردان هوسران در این زمینه کرده اند و قانون باید جلو آنها را بگیرد و ما درباره این سوء استفاده ها بحث خواهیم کرد. ثانياً انتظار اینکه ازدواج موقت به اندازه ازدواج دائم استقبال شود - در صورتی که فلسفه ازدواج موقت عدم آمادگی یا عدم امکان طرفین یا یک طرف برای ازدواج دائم است - انتظار بیجا و غلطی است.

۳. نکاح منقطع بر خلاف حیثیت و احترام زن است، زیرا نوعی کرایه دادن آدم و جواز شرعی آدم فروشی است؛ خلاف حیثیت انسانی زن است که در مقابل وجهی که از مردی می‌گیرد وجود خود را در اختیار او قرار دهد.

زن کرایه ای آن زنی است که برای جلب مشتری برای یک مؤسسه اقتصادی، باهزاران اطوار - که اغلب آنها مصنوعی و به خاطر انجام وظیفه مزدوری است - روی صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود و به نفع یک کالای تجارتي تبلیغ می‌کند. (همان: ۷۸)

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد بیش از نیمی از زنانی که در آمریکا ازدواج کرده‌اند، پیش از آن رابطه هم‌خانگی را با همسر فعلی خود تجربه کرده بودند. با گسترش هم‌خانگی «تعداد ازدواج‌ها» کاهش چشم‌گیری یافته، چراکه هم‌خانگی به شکل رقیبی جدی در مقابل ازدواج قد علم کرده است. در بسیاری از کشورها ازدواج در حال تضعیف و هم‌خانگی در حال تقویت است؛ برای مثال شاخص‌ها در کانادا کاهش شدید میزان ازدواج در چند دهه اخیر را نشان می‌دهند. در این کشور، میزان ازدواج زنان تا ۵۰ سالگی، از بالای ۹۵ درصد در سال ۱۹۶۵ به کمتر از شصت درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است. در مقابل، میزان هم‌خانگی در کانادا رشدی ۳۰۰ درصدی را نشان می‌دهد و از ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۶۰ به نزدیک ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است. این تغییرات به آمریکای شمالی و اقیانوسیه محدود نمانده و اروپا نیز روندهای مشابهی از آن را تجربه کرده است. هم‌خانگی در اروپا پدیده جدیدی نیست و قبل از انقلاب جنسی دهه ۱۹۶۰ نیز به علل گوناگون در برخی جوامع اروپایی یافت می‌شد. البته در آن زمان عملی غیرقانونی، مشمول مجازات و نادر بود

به اصل کلمه که می‌پردازد (white marriage) معادلی برای آن در فرهنگ آکسفورد نمی‌یابی اما در فرانسه به (ازدواجی قانونی و بدون روابط جنسی) معنی شده است (A marriage without sexual relations) و این باز تعجب بیشتر را بر می‌انگیزد که معنای غربی آن کاملاً متفاوت است و به ازدواج‌هایی دلالت دارد که با انجام مراسم قانونی برای دور زدن قانون مهاجرت یا مسائل دیگر از آن استفاده می‌شود. اما چیزی که از آن به زندگی مشترک زن و مرد به همراه روابط جنسی بدون ازدواج یاد می‌شود در فرهنگ آکسفورد "cohabitation" یعنی "همباشی" آمده است، یعنی حتی فرهنگ غرب نیز این رابطه را ازدواج نمی‌داند و "همباشی" تعریف می‌کند.

(Live together and have a sexual relationship without being married) همچنین واژه "White wedding" به ازدواجی رسمی در کلیسا که در آن عروس لباس سفید می‌پوشد گفته می‌شود.

اما (A traditional church wedding at which the bride wears a formal white dress)

چطور شده لغت "همباشی" فرنگی به فرهنگ ایران که آمده "ازدواج سفید" نام گرفته است؟

ریشه کلمه "ازدواج سفید" را که جستجو می کنی اولین بار توسط رسانه های بیگانه، معاند و ضد دین از آن استفاده شده و خبر از رواج آن داده اند و معلوم نیست از آن سر دنیا از کجا فهمیده اند این گونه ازدواج در ایران رواج یافته! دلیل آن نیز مشخص است؛ تابو شکنی و حرمت زدایی از جامعه و رواج و عادی سازی نوعی رابطه نامشروع و نامتناسبت با فرهنگ ایران. بعد از آن نیز متاسفانه رسانه های داخلی از روی غفلت برای اینکه از قافله عقب نمانند و به آسیب شناسی آن بپردازند و یا برای فروش خود یا کلیک مخاطبان خود خوراک تهیه کنند از این واژه استفاده کرده اند و متاسفانه برخی کارشناسان، روانشناسان و مسئولان نیز با استفاده از آن به فراگیری واژه دامن زده اند. اما آمارها نشان می دهد امروزه، زندگی بدون ازدواج یکی از شیوه های رایج زندگی در غرب است. بیش از دو سوم زوج های آمریکایی پیش از ازدواج رسمی، مدتی را بدون ازدواج با یکدیگر زیر یک سقف می گذرانند. در سال ۱۹۹۴، حدود ۷/۳ میلیون زوج آمریکایی بدون ازدواج با یکدیگر زندگی می کردند و نزدیک به اواخر دهه ۱۹۹۰، حداقل ۵۰ تا ۶۰ درصد زوجها حداقل پیش از ازدواج رسمی، مدتی را بدون ازدواج با یکدیگر می گذرانند. این در حالی است که تا پیش از ۱۹۷۰، زندگی بدون ازدواج در ایالات متحده غیرقانونی بود. طبق آمار آمریکا، تعداد زوج های ازدواج نکرده ای که با یکدیگر زندگی کرده اند، از ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ ده برابر شده و اکنون، زندگی بدون ازدواج، به مرحله ای عادی در روند آشنایی دو فرد تبدیل شده است. (یاری نسب، حیدری، عقیف و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۸۸)

روش تحقیق

برای بررسی نگرش جوانان درباره ازدواج سفید به سراغ ۱۲ نفر از خانواده هایی که ازدواج سفید کرده اند رفتیم و درباره ی زندگی و نحوه ارتباطشان با یکدیگر سوالاتی را پرسیدیم و مصاحباتی را به عمل آوردیم که تحلیل داده های ما در زیر به صورت مکتوب است.

توصیف جمعیت نمونه

ردیف	سن	تحصیلات	شغل	تحصیلات پارتنر	سن پارتنر	سن ازدواج	تعداد ازدواج	مدت زمان ازدواج
۱	۲۹	لیسانس	خانه دار	لیسانس	۳۲	۲۷	۱	۲سال
۲	۳۴	دیپلم	خیاط	دیپلم	۳۸	۳۶	۱	۲سال
۳	۲۳	لیسانس	کارمند	دیپلم	۲۲	۲۲	۱	۶ماه
۴	۴۰	لیسانس	خانه دار	لیسانس	۴۰	۳۷	۱	۳سال
۵	۲۵	لیسانس	کارمند	لیسانس	۲۲	۲۲	۱	۲سال

۶سال	۱	۳۹	۴۰	دیپلم	حسابدار	فوق لیسانس	۴۵	۶
۳سال	۱	۲۷	۳۰	لیسانس	پرستار	لیسانس	۳۰	۷
۵سال	۱	۳۷	۳۸	لیسانس	ازاد	دکترا	۴۲	۸
۱سال	۱	۲۷	۲۸	لیسانس	کارمند	لیسانس	۲۸	۹
۲سال	۱	۲۸	۳۰	دیپلم	کارگر	دیپلم	۳۰	۱۰
۵ماه	۱	۳۲	۳۲	دیپلم	خانه دار	دیپلم	۳۲	۱۱
۳ماه	۱	۳۴	۳۴	دیپلم	ازاد	دیپلم	۳۵	۱۲

جدول به دست آمده در بالا یک جدول آمار توصیفی است که از جامعه ی مورد مطالعه ی ۱۲ خانواری تشکیل شده است و به توصیف سن، تحصیلات زن و مرد و مدت رابطه پرداخته است .

فروانی کلیدواژه ها

کلید واژه مورد نظر	تعداد	مجموع تمام مصاحبه ها
وضعیت اقتصادی	۳	۱۲
محیط زندگی	۱۰	۱۲
فشار روحی و روانی	۱۰	۱۲
مشکلات جنسی	۱۱	۱۲
احساس بدنامی	۱۱	۱۲
باورهای دینی و سنتی	۱۱	۱۲
تن آرایی	۶	۱۲
والدین بیمار	۸	۱۲
مزاحمت های اجتماعی	۱۰	۱۲

پرتکرارترین جملات موجود در تمامی مصاحبه های انجام شده

ردیف	دلایل انتخاب ازدواج سفید	ترجمه اظهارات فردی به زبان علمی و فنی
۱	نداشتن پول	مشکلات اقتصادی
۲	ترس از نگاه مردم	فشار روحی و روانی و فشار اطراف
۳	فقر	مشکلات مادی
۴	انحراف جنسی پدر	محیط و اطرافیان
۵	ماهواره	ارتباط و رسانه
۶	غربگرایی بودن	ارتباط و رسانه
۷	نداشتن پول	مشکلات اقتصادی
۸	از آینده میترسیدم	احساس عدم امنیت
۹	من خیلی در مسائل جنسی هات هستم	انحراف جنسی
۱۰	حق من است چون جوان هستم	مطالبه حق
۱۱	ماهواره	ارتباط و رسانه
۱۲	به خاطر سنتی بودن خانواده	فشار اطرافیان
۱۳	اعتیاد پدرم	محیط و اطرافیان
۱۴	زندگی راحتی دارم و این حق منه	احقاق حق
۱۵	ماهواره	ارتباط و رسانه ها

جدول عوامل تهدیدکننده و عوامل بازدارنده در ازدواج سفید

عوامل تهدیدکننده	عوامل بازدارنده	ردیف
کمبود اعتمادبه نفس	اعتمادبه نفس	۱
اختلالات جنسیتی	سلامت روانی	۲
سرپرست خانوار بودن	وضعیت اقتصادی	۳
عدم اعتماد طرفین	شناختن کافی طرفین	۴
کم رنگ شدن ارزش های مذهبی	دینداری	۵
سن کم در ازدواج	انتخاب درست در زندگی	۶
بیماری های جنسی زوج	رضایت زناشویی	۷
وضعیت بدتحصیلی و فقر	آموزش مهارت های زندگی	۸

کدگذاری متمرکز

کدگذاری باز	کدگذاری متمرکز
<p>پول کافی برای زندگی خودمان نداریم صرفه جویی در مراسم ازدواج پول راحت و بی دردسری - زندگی راحت پول لازم دارم تفاهم داریم، پول نداریم</p>	<p>اقتصادی</p>
<p>مدل ازدواج ما فرق داره - من دوستم هم این جور زندگی می کنه مخالفت خانوادم با زندگی در نوع ازدواج سفید به دلیل سنتی بودنشان خانه ما خیلی کوچیکه</p>	<p>فرهنگی</p>
<p>ماهواره - اعتیاد پدرم حرف و نگاه های مردم - دوست دارم این طور زندگی کنم</p>	<p>اجتماعی</p>
<p>انحراف جنسی همسر - عدم اعتماد به یکدیگر</p>	<p>روانی</p>

دسته بندی افرادی که ازدواج سفید کردند در سه تیپ عبارت اند از

تیپ ها	نوع	ویژگی ها و علل گرایش
تیپ اول	اقتصادی	فقر- سرپرست خانوار بودن حرف مردم - گرایش جنسی نداشتن سرمایه
تیپ دوم	اجتماعی - فرهنگی	سن ازدواج بالا- اعتیاد پدر ترس از حرف مردم - عدم حمایت خانواده
تیپ سوم	روانی	خیانت به یکدیگر - عدم تعهد در زندگی اختلالات روحی و روانی - اختلالات جنسی مشکلات خانوادگی

در نهایت براساس نظر مصاحبه شوندگان به سه تیپ از افرادی که ازدواج سفید کرده اند رسیدیم. تیپ اول به دلیل شرایط اقتصادی (فقر، سرپرست خانوار بودن، حرف مردم، گرایش جنسی، نداشتن سرمایه) ازدواج سفید را انتخاب کرده اند، تیپ دوم به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی (سن ازدواج بالا، اعتیاد پدر، ترس از حرف مردم، عدم حمایت خانواده) و تیپ سوم به دلیل شرایط روانی (خیانت به یکدیگر، عدم تعهد در زندگی، اختلالات روحی و روانی، اختلالات جنسی، مشکلات خانوادگی) ازدواج سفید را انتخاب کرده اند و یا به آن تن داده اند.

بحث و نتیجه گیری

ظهور پدیده ای به نام ازدواج سفید در کشور مادر حال حاضر جا نیفتاده است در طی ۱۲ مصاحبه که با کسانی که ازدواج سفید کرده اند داشتیم متوجه شدیم بیشتر آن ها مهم ترین دلیل زندگی را تعهد و

اعتماد دو طرفین می‌دانند و همه‌ی آن‌ها گفتند از نگاه منفی جامعه به این ازدواج وحشت دارند بعضی از آن‌ها گفتند خانواده‌های ما مخالفتی ندارند و به سبک غربی‌ها عمل می‌کنند ولی بعضی‌ها گفتند که اصلاً خانواده‌ی آنان اطلاعی ندارند و ماه‌هاست که بی‌اطلاع هستند و اگر بدانند با آن‌ها قطع ارتباط خواهند کرد، بعضی‌ها گفتند با بچه‌دار شدن مخالفتی ندارند و بعضی‌ها گفتند هرگز بچه‌دار نخواهیم شد. در آخر باید بگوییم اگر در کشور و جامعه ما این نوع زندگی در ایران رواج و گسترش پیدا کند تعداد بسیاری از مردم این نوع زندگی را انتخاب خواهند کرد و با تغییر دیدگاه مردم دیگر آنان با این نوع و مدل زندگی مشکلی نخواهند داشت و ممکن است سال‌ها طول بکشد که این اتفاق بیفتد و در طی این تحقیق مشخص شد که در این نوع زندگی زن‌ها آسیب‌پذیرتر خواهند بود و بیشتر از مردان دچار مشکل خواهند شد هم از نظر روحی و هم روانی شکننده خواهند بود. همچنین ازدواج سفید محصول جریان مدرنیته است و جستجوی پاسخ به این پرسش نشان داد که مفهوم تعهد در ازدواج سفید از نگاه مشارکت‌کنندگان نه تنها مفهومی با معنای ثابت و مطلق نیست بلکه در طی زمان و مکان و برحسب شرایط، تحول یافته و در چارچوب فضایل اخلاقی و سطوحی از اخلاق برداشت می‌شود. نگرش کلی افراد در مورد این شیوه زندگی این بوده که آنان امیدوار بودند که در چند سال اخیر با توجه به تغییراتی که در جامعه اتفاق خواهد افتاد، این شیوه زندگی مورد پذیرش افراد جامعه و مسئولین قرار گرفته و حمایت قانونی قرار بگیرد که این امر با توجه به فرایند و تحولات جامعه دور از انتظار نیست زیرا به موازات تغییرات اساسی که در جامعه طی فرایند رشد و توسعه صورت خواهد گرفت، کم‌کم این شیوه زندگی به عنوان یک امر به‌هنگار و جزئی از تجربه‌ی زیستی آن جامعه شده و مورد پذیرش عموم قرار خواهد گرفت.

غریزه در مراحل از حیات رشد یافته و زمینه‌بیداری فرد را فراهم می‌آورد. این سیر به‌طور طبیعی سیر می‌شود. با هیچ دستور و بخش‌نامه و یا شعار و شیونی قابل جلوگیری نیست اما در پاره‌ای از این موارد این بلوغ یا بیداری جنسی و در پی آن تمنیات درونی زمینه‌های انحراف را در نوجوان فراهم می‌کند و به لغزش‌های بعدی می‌انجامد. بدیهی است انسانها نیز همانند حیوانات دارای غریزه جنسی هستند و این امری طبیعی در هر دختر و پسر جوان است و این از امانت‌های مهم و نیرومندی است که خداوند در وجود آدمی به ودیعه نهاده است. از نظر روانشناسی میل جنسی به محض شروع نوجوانی آرام آرام بیدار و شکوفا می‌گردد و رفته رفته تمامی وجود نوجوان را فرا می‌گیرد تا جایی که در مقطعی از سن انسان را زیر تأثیرات سخت و سنگین خود قرار می‌دهد به طوری که اغلب در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی یک جوان خود را در برابر کنترل این غریزه ناتوان احساس می‌کند. طبیعی است وجود این غریزه علتی است که عشق و علاقه در نوجوان را ایجاد می‌کند و زمینه‌های ایجاد یک رابطه با جنس مخالف را در خود می‌بیند، اما نکته حائز اهمیت اینجاست که گاه رابطه با جنس مخالف صرفاً به دلیل عشق به طرف مقابل نیست و گاهی نوجوان یا جوان با انگیزه رابطه جنسی اقدام به

برقراری رابطه جنسی می کند. امروزه به دلیل عدم آموزش های لازم در سنین پایین و عدم وجود شناختی کامل از سنین کودکی بین یک پسر و دختر زمینه هایی را ایجاد کرده که به موجب لبریز شدن غریزه جنسی در جوانان راهی جز هم خانگی به وجود نمی آید. امروزه در کشور ما فعالیت های روزانه یک شخص نوجوان نیز تحت تاثیر پاسخ به نیاز های جنسی خود قرار دارد. عدم آموزش والدین از سنین کودکی به کودک، وجود برخی ممیزی و سانسورهای بیهوده در کتب و رسانه های تصویری، وجود فضای بسته و امنیتی در اماکن عمومی و آموزشی به ندرت منجر به ایجاد بیماری به نام «گرسنگی جنسی» در جوانان گردیده است و این را می توان نوعی بیماری روانی در سیستم کشور دانست که پیامدهای خطرناکی مانند خشونت جنسی علیه زنان را می تواند در پی داشته باشد. امروزه یک کودک خردسال در سنین اولیه خود با سوال ها و کنجکاوی های متعددی رو به رو می شود و گاه پیش آمده است که یک کودک در مواجهه با یک تصویر که شاید غیر اخلاقی تلقی گردد هم این سوال برایش پیش آید که این چیست؟ که امروزه اغلب والدین با عیب است و زشت است پاسخی مبهم و واهی به کودک می دهند و این از عادت بد و اشتباه والدین است. و این منجر به ایجاد تصویری مبهم از آن در ذهن کودک طی مدت ها می گردد پس از آن بدیهی است در سنین بالاتر و در مواجهه با گروه دوستان و همکلاسی ها به پاسخ خود می رسد و این خود نخستین خطر را برای نوجوان به وجود می آورد به این دلیل که به طبع سنین نوجوانی و جوانی که غرایز جنسی برای نوجوان مشکلات عدیده ای ایجاد می کند، فرد توان مطرح کردن این مشکلات را به سبب عدم راحتی و ارتباطی که از قبل به وجود نیامده نخواهد داشت چراکه از سنین پایین این مشکلات برای کودک عیب خوانده شده است. در این شرایط چه کسانی جز والدین که دلسوز و حامی فرزندان هستند می توانستند راه صحیح را به فرزند نشان دهند؟ در کنار این مورد نظام آموزشی نیز تا حدود زیادی در شکل گیری طبیعت غریزه فرد نقش دارد و در این خصوص نظام آموزشی ایران از دوران پیش از دبستان تا پیش از دانشگاه قابل نقد است؛ به این دلیل که نظام آموزشی فاقد وجود مشاوران و معلمانی که آموزش های لازم را در این زمینه ها دیده باشند می باشد، چراکه در این مورد هم فرد مانند مواجهه با والدین مشکلات جنسی خود را نمی تواند با کسی در میان بگذارد آموزش های درسی در این دوران صرفاً به آموزش های احکام و غسل و ... می باشد و وجود مربیان جوانی که با روحیات نوجوان آشنا بوده و آموزش های لازم را دیده اند در این سیستم ضروری است، نحوه آموزش مربیان نیز می بایست به صورت انفرادی به اقتضا زمان های مناسب باشد چرا که بدیهی است در جمع امکان طرح مشکلات جنسی نوجوان برایش فراهم نمی باشد. تربیت جنسی باید حتی از سال های قبل از دبستان آغاز شود و کودک در هر مرحله از سنین عمر خود، اطلاعات جامع تری در این باره کسب کند. این مایه تأسف خواهد بود، اگر دختری که آماده ازدواج است، آن قدر نسبت به مسائل جنسی ناآگاه باشد که بدترین خاطرات زندگی او مربوط به زمان عروسی او باشد. رسانه ها نیز می بایست در چارچوب قوانین و مقررات اسلام زمینه های

آموزشی را در کشور فراهم کند، و همانطور که بستن اول و آخر یک خیابان به این دلیل که در این خیابان جرم اتفاق می افتد برای پیشگیری از جرم کار اشتباه و غلطی است، وجود برخی محدودیت‌ها و سانسورها و تفکیک‌های جنسیتی که گاهی در محاکم اسلامی هم مورد پسند نیست و نوعی افراط به شمار می رود امری اشتباه و غلط است، با این توضیح که وقتی تصویر زن یا مرد از نظر پوشش و آرایش در رسانه با آنچه در کوچه و خیابان است متفاوت است این در رفتار فرد در جامعه تاثیر مستقیم دارد به این دلیل که فرد با مشاهده یک نوع پوشش وقتی در جامعه با پوشش متفاوت مواجه می شود گرایش و میل جنسی بیشتری از خود بروز می دهد و برایش تازگی دارد. حال آنکه عدم ممیزی‌ها و سانسورها و برخی فیلترهای بی مورد به مرور گزینه را از حالت کنجکاوی به حالت عادی ایجاد کرده و فرد با مواجهه با تصویر ناهنجار واکنشی از خود بروز نمی دهد. یا اینکه از دیدگاه امانوئل کانت فیلسوف در جوامعی که در آن تفکیک جنسیتی تا سنین بالا صورت می گیرد باعث بدبینی دختران نسبت به پسران و طعمه بودن دختران از دید پسران می گردد، در اوج گرایش و کشش با پیش زمینه ای آلوده عاشق می شوند و بدون هیچ شناختی که این تبعاتی مثل جدایی زوجین در آینده را در پی دارد، در این حالت عشق می میرد و ارتباط نابود می گردد و مردان این جوامع تنوع طلب و زنانش مرد ستیز می گردند. هنوز به صورت جدی این سوال مطرح نشده است که چرا نگاه یک جوان ایرانی به یک دختر جوان بیشتر از اینکه یک نگاه عادی باشد نگاهی توأم با تحریک و شهوت است؟ حال آنکه وقتی زمینه‌های ذهنی، روانی، آموزش‌های جامع و آکادمیک و روابط عادی، عقلانی و شرعی از سنین کودکی وجود داشته باشد عکس‌العمل شخص جوان نیز در این شرایط کاملاً عادی می گردد. حال با این وجود و به دلایل مذکور شخص جوان به دلیل عدم کنترل جنسی خود و همراه با دلایل اقتصادی و جامعه‌شناختی که در ادامه به آن می پردازیم رو به رابطه با جنس مخالف می رود و تنها راهکار را هم خانگی با جنس مخالف می یابد و بدین وسیله زمینه روانی برای ازدواج سپید فراهم می گردد.

عوامل اقتصادی فراوانی وجود دارد که فرد را از ازدواج شرعی منصرف می کند و یا ازدواج جوانان را تا حد زیادی به تاخیر می اندازد، علت افزایش سن ازدواج در مردان به ۳۰ سال و زنان به ۲۶ سال چیست؟ چرا سال به سال سن ازدواج افزایش می یابد؟ چرا آمار ازدواج شرعی سال به سال رو به کاهش است؟ بدهی است عوامل اقتصادی نقش اساسی را دارند ولی این عوامل از طرفی سن ازدواج سپید را کاهش و متأسفانه سال به سال به افزایش آن کمک می کنند.

مهمترین دغدغه جوانان اشتغال است، این دغدغه درعین حال زمینه‌ساز دیگر مشکلات جوانان است. آمار رسمی بیانگر وجود ۲۴ درصد بیکاری در میان جوانان است و ۱.۱ میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی به بازار کار دسترسی ندارند و به زودی ۴.۵ میلیون نفر دیگر نیز به آنها می پیوندند. نرخ بیکاری زنان به ۴۳ درصد رسیده است، در سه ضلع مسائل و دغدغه‌های جوانان، برنامه‌ریزان و متولیان، والدین و جوانان قرار دارند. بنابراین هر سه گروه باید در تبیین سیاست‌ها و برنامه‌ها برای آینده جوانان مشارکت

داشته باشند. تا زمانی که مسئله اشتغال سامان نگیرد و جوان نتواند به لحاظ اقتصادی مستقل شود طبیعی است که مشکلات ازدواج و مسکن او نیز حل نخواهد شد. با این وجود تنها اشتغال، تحصیل و ازدواج دغدغه‌های ذهنی او نیستند. مسائل دیگری نیز وجود دارد که به صورت زنجیروار با یکدیگر مرتبطند. امروزه کاهش میزان و کیفیت رابطه با والدین، ناامیدی نسبت به آینده و مبهم بودن آن، تمایل به زندگی مجردی و مستقل از خانواده، نبود مهارت‌های لازم برای حل مشکلات زندگی از دیگر مسائل جوانان و کاهش آستانه تحمل در رویارویی با مشکلات است. با توجه به اینکه شیوع مسائل در میان گروه‌های همسالان جوان سریع‌تر از سایر گروه‌ها است، هر تحولی در میان شیوه زندگی جوانان بلافاصله سایر گروه همسالان را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. تا چند سال پیش زندگی تجردی شیوه مناسبی برای زندگی جوانان چه از نظر آنان و چه از دید خانواده‌شان نبود ولی استقلال اقتصادی نسبی در اقشاری از جوانان و ادامه تحصیل آنان باعث شده است که زندگی در خانه‌های مجردی به یک سبک زندگی تبدیل شود که این شیوه زندگی در سنین پایین‌تر تبعات نامناسب‌تر و گسترده‌تری به همراه دارد. ضمن اینکه فرهنگ جامعه ما نگاه مثبتی به زندگی مجردی ندارد و تبعاً مشکلات بیشتری به لحاظ اجتماعی در مسیر آنان قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی است که اولین عامل روی آوردن به زندگی مجردی یعنی استقلال از خانواده به سبب مهاجرت تحصیلی فراهم می‌گردد، که در این مورد در بخش بعدی مفصل بحث خواهد گردید. اما نخستین عامل اقتصادی در روی آوردن به ازدواج سپید را اشتغال جوانان می‌توان دانست، گاه بیکاری یک فرد جوان وی را به مهاجرت شغلی سوق می‌دهد، بدیهی است در این شرایط فرد حتی به بهانه پناهگاه زمینه رو آوردن به این ازدواج را فراهم می‌بیند. بیکاری از آن جهت هم که معمولاً در عرف ایران خانواده دختر نظر مثبتی نسبت به پسر بیکار ندارند نیز مشکلی دیگر است.

عامل دیگر کاهش ازدواج شرعی و رو آوردن به ازدواج سپید مهریه‌های سنگین است. بدیهی است آنچه امروزه در عرف به عنوان مهریه تعیین می‌گردد هزینه چشمگیری است که بعضاً پرداختش در توان افراد پر درآمد هم نیست، علت چیست؟ و چرا این عادت بد سالهاست تبدیل به عرف خانواده‌ها گردیده است؟ به نظر توقعات بالای دختران را مهمترین عامل مهریه‌های سنگین می‌بایست برشمرد از طرفی عادت و خوی چشم و هم چشمی که مبدل به ویژگی ذاتی کثیری از دختران گردیده است را هم می‌توان در شیوع مهریه سنگین تاثیر گذار دانست، زیرا با کمی فکر عمیق میتوان دریافت ازدواجی که بر پایه عشق به یکدیگر بنا نهاده شده باشد با تعیین مهر سنگین همخوانی چندانی ندارد. اخیراً نظام حقوقی و قضایی ایران برای تعدیل و کاهش مهر اقدام به تعیین سقف نموده است. این اقدام قابل نقد است؛ زیرا اولاً بر اساس ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی تعیین مهر بر عهده طرفین است و این با روح این ماده در تعارض است و دوم اینکه علاقه زوجیت بین دختر و پسر بر پایه عشق و علاقه به یکدیگر بسته می‌شود و امروزه ازدواجی که بدون علاقه و عشق انجام شود چیزی محال و غیر منطقی

است، از طرفی وقتی علاقه طرفینی باشد میزان مهر نیز که با تراضی دو طرف است تا حد زیادی توسط زوجین کاهش می یابد زیرا تصور اینکه دختر با توجه به علاقه خود به طرف مقابل زیر بار مهریه سبک نرود غیر ممکن است. مورد دیگر از عوامل کاهش ازدواج شرعی را می توان در هزینه ها و مخارج سنگین عروسی دید، امروزه یک مجلس عروسی معمولی چیزی بالغ بر ۴۰ تا ۵۰ میلیون هزینه دارد، حال آن که در ازدواج سپید دختر و پسر تعهد مالی کمتری نسبت به یکدیگر خواهند داشت، بدیهی است این مخارج سنگین بیش از هرچیز به فرد جوان را دلسرد می کند و این خود تاثیر زیادی در کاهش ازدواج خواهد داشت، رکود و تورم بیش از حد و اقتصاد بیمار در ایران در سال های اخیر تاثیر زیادی در افزایش هزینه ها گذاشته است، دولت ایران سالهاست در جهت کمک به جوانان به خصوص در بحث ازدواج تاکید زیادی دارد و اعطای وام های ازدواج و هرگونه کمک مالی به پسران گواه این مدعاست، اما از طرفی راه های دسترسی به این وام ها و شرایط آن از طرف دولت به قدری محدود می گردد که گاه این پروسه طولانی نیمه کاره رها می گردد. اقدامات دولت در زمینه حمایت از جوانان و در جهت کاهش سن ازدواج اقداماتی قابل نقد است؛ به این دلیل که حمایت از جوانان منوط به تامین شغل، مسکن، هزینه های ازدواج و وام های با درصد پایین و زودپرداخت می باشد، که همه این ها زیرساخت ها و اقتصاد فعالی را می طلبد، لذا دولت می بایست ابتدا زیرساخت های اقتصادی خود را درمان کند و آنچه مانع اشتغال و توسعه اقتصاد است مانند تحریم را برطرف کند نه اینکه صرفاً از جیب خالی وام های غیر قابل پرداخت را اعلام کند. بدیهی است شرایط اقتصادی که زمینه ازدواج سپید را در کشور فراهم می کند به اقدامات دولت در این زمینه برمی گردد. عوامل دیگری نیز در کاهش ازدواج مشروع دخیل هستند مانند فاصله بین فقیر و غنی که این مورد هم به خصوص در ایران یکی دیگر از عوامل شیوع ازدواج سپید می باشد. دولت ها نقش محوری در کاهش این فاصله دارند و جنبه حمایتی دولت می تواند در این زمینه هم ظهور یابد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمدحسین، ایثاری، مریم و طالبی، سحر. ۱۳۹۵، همخانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، ۷۷-۲۹
- آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۹۱، جامعه شناسی خانوادگی ایرانی. تهران، انتشارات سمت
- آزاد ارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمدحسین، ایثاری، مریم و طالبی، سحر، ۱۳۹۰، سنخ شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، ۲، ۹۲-۱
- اسدیان، داود، محمدزاده، علی و نجفی، محمود، ۱۳۹۴، بررسی نگرش به دوستی با جنس مخالف در بین دانشجویان دختر و پسر. مجله ی تحقیقات علوم رفتاری، ۱۹ (۹) ۱۱۸ - ۱۰۳
- حریری، نجال. ۱۳۸۵، اصول و روشهای پژوهش کیفی. تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات
- استروس، آنسلم و کوربین، جولیت، ۱۳۸۵، اصول روش تحقیق کیفی. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشکده ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- خلج آبادی فراهانی، فریده و امیرهوشنگ مهریار. ۱۳۸۹، بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. فصلنامه ی خانواده پژوهی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۲۱۸ - ۲۲۳
- دلآور، مریم سادات و احمدی، حبیب. ۱۳۹۰، رابطه استفاده از فناوری های ارتباطی بر میزان ارتباط با جنس مخالف. مجله ی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد فردوسی رفیعپور، فرامرز. ۱۳۸۰، توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار
- ساروخانی، باقر. ۱۳۸۱، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران: سرو
- سیف الهی، سیف اله. ۱۳۸۸، مبانی جامعه شناسی. تهران، انتشارات جامعه پژوهان سینا.
- شیری قیداری، لیال. ۱۳۹۱، مطالعه جامعه شناختی تجربه ی زیسته از پدیده با همبازی (ازدواج سفید) پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- فرهمند، مهناز، جواهرچیان، ندا و هاتفی راد، ندا. ۱۳۹۳، جهانی شدن و بازاندیشی تعاملت جنسی (مورد مطالعه جوانان شهر یزد). فصلنامه ی راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۷۱-۲۰۲.
- کریمیان، نادر، سالاری، سمانه و ملکاری، بختیار. ۱۳۹۲، رابطه ی همخانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه های گرایش به آن. فصلنامه ی مطالعات روانشناسی، سال ششم . ۱۱ ۲۰۰-۱۷۰.

- گلچین، مسعود و صفری، سعید. ۱۳۹۶، کلانشهر تهران و ظهور نشانه های الگوی تازه ای از روابط زن و مرد. فصلنامه ی تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۰(۱)۱۷-۲۳
- لانسکی، گرهارد و لانسکی، جین. ۱۳۶۹، سیر جوامع بشری. ترجمه ی ناصر موفقیان. تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی
- محمدپور، احمد. ۱۳۹۲، روش تحقیق کیفی ضد روش ۱. تهران: نشر جامعه شناسان
- موحد، مجید، عنایت، حلیمه و عباسی شوازی، محمدتقی، ۱۳۸۵، بررسی رابطه ی عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج. مجله ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۲(۲۷)- ۱۱۱
- یاری، فریدون، کشاورزی، فاطمه و رسولی، علی. ۱۳۹۲، نقش باورهای فراشناختی و نگرش به روابط قبل از ازدواج در پیشبینی رفتارهای پرخطر نوجوانان. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، ۳(۲)، صص ۲۱ - ۹۹.
- یارینسب، فاطمه؛ حیدری، عقیف و ابراهیمی، فاطمه. ۱۳۹۲، نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج موقت(مورد مطالعه: دانشگاه شهید باهنر کرمان). فصلنامه ی فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۹۱۲-۹۲۷، پنجم

